

تعريف حقوق

بدین ترتیب برای زندگی فردی در جامعه آمادگی یابد. لذا برای او این شرایط را تحت عنوان حقوق فردی - اجتماعی و خانوادگی تعریف کرده‌اند که در طول زمان دچار تحول شده است.

با توجه به آن چه گفته شد، منظور از حقوق نوجوان و جوان، امتیازات و حمایت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و قضایی است که آن‌ها به مقتضای سن خود از آن بهره‌مند می‌شوند و طی زندگی در سطح جامعه و خانواده مورد حمایت قرار می‌گیرند.

زیربنای حق یا حقوق بیش از هر چیز، اعتقاد به ارزش‌های انسانی و عزم برای بهبود معیارهای زندگی بهتر است.

شناخت حقوق انسانی برابر، برای آحاد افراد جامعه و رعایت آن از وظایف اصلی هر حکومتی است. افراد بدون هرگونه تبعیض از نظر سن، نژاد، رنگ، زبان، مذهب، عقاید سیاسی، جایگاه اجتماعی یا ملی در تمام حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی صاحب حق هستند.

بدیهی است، در این میان، کودکان و نوجوانان می‌بایستی از مساعدت‌های بیشتر بهره‌مند باشند تا بتوانند مسئولیت‌های خود را در جامعه به خوبی ایفا کنند.

از سوی دیگر، خانواده می‌تواند به عنوان جزء اصلی جامعه، محیط مناسب و طبیعی برای رشد و رفاه اعضای خود فراهم سازد تا کودک و نوجوان برای رشد کامل و متعادل شخصیتی خود از آن بهره‌مند شود و

قوانین مدنی و حقوق کودک و نوجوان

در قوانین مدنی جمهوری اسلامی ایران، منظور از حقوق کودک، «بحث از حقوقی است که کودک به مناسبت خردسال بودنش دارد یا از آن محروم است. بنابراین آن قسمت از قوانین که سن افراد تأثیری در آن‌ها نداشته و در مورد همه اعم از خردسال و بزرگ‌سال یکسان اجرا می‌شود، در محدوده حقوق کودک نمی‌گنجد.»

لذا کودک یا صغیر در اصطلاح حقوقی به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به رشد جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد.

مطابق ماده ۹۵۸ قانون مدنی، «هر انسان، متمتع از حقوق مدنی خواهد بود ولیکن هیچ‌کس نمی‌تواند حقوق خود را اجرا کند، مگر آن‌که برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد.»

کسی اهلیت قانونی برای اجرای حقوق مدنی دارد که ممنوع و محجور از تصرف در اموال و حقوق مالی خود نباشد.

مطابق ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی «اشخاص ذیل محجور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند:

۱. صغار (افراد صغیر)
۲. اشخاص غیررشید
۳. مجانین (دیوانه‌ها)»

شناخت حقوق انسانی
برابر، برای آحاد افراد جامعه
و رعایت آن از وظایف اصلی
هر حکومتی است.

کودک از کلیه حقوق مدنی برخوردار است و از این جهت فرقی با بزرگسال ندارد

بنابراین می‌بینیم که از نظر حقوقی، کودک از کلیه حقوق مدنی برخوردار است و از این جهت فرقی با بزرگسال ندارد اما قانوناً نمی‌تواند حق خود را اعمال و اجرا کند.

نکته مهم از نظر حقوقی آن است که بدانیم کودکی از چه سنی شروع و به چه سنی خاتمه می‌یابد؟ گفته می‌شود کودکی، با تولد آغاز می‌شود و ماده ۹۵۶ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد «اهلیت برای دارا بودن حقوق با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود».

هم‌چنین قانون مدنی در تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ که در سال ۱۳۶۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده، اعلام داشته است «سن بلوغ در پسران پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است». بنابراین از نظر قانون مدنی، پایان کودکی نزد دختر، نه سالگی و نزد پسر پانزده سالگی است و مطابق مقررات و قواعد فقه اسلام، صغیر کسی است که بالغ و رشید نشده است.

با توجه به آن‌چه که گفته شد، افراد از حمایت حقوقی خانواده و جامعه بهره‌مند هستند و به طریق اولی، افراد صغیر لازم است حقوقشان توسط سرپرست خانواده و جامعه جدی‌تر رعایت گردد.

حقوق کودک و نهادهای بین‌المللی

حقوق کودک، بخشی از موضوعات حقوق بشر است که نیاز به حمایت جدی از سوی جامعه بین‌المللی دارد. با توجه به ضرورت عنایت به مباحث حقوق کودک در سطح جامعه، نوشتار حاضر به بررسی نکاتی پیرامون حقوق کودک که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد، با عنوان «کنوانسیون حقوق کودک» مصوبه سال ۱۹۸۹م که گامی مؤثر در جهت حفظ حقوق کودکان محسوب می‌شود، می‌پردازد. علاوه بر آن، در این نوشتار به موقعیت برخی از کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران نسبت به کنوانسیون حقوق کودک اشاره شده است.

انسان برای زندگی اجتماعی خویش، نیازمند امنیت جسمی، روحی و اقتصادی و... است. کودکان نیز که رشد جسمی، عقلی و اجتماعی آنان از همان سال‌های نخست زندگی آغاز می‌شود، با توجه به وضعیت خاص آنان به لحاظ جسمانی و روحی، نیاز به حمایت‌ها و مراقبت‌های ویژه‌ای دارند. این اقدامات باید مفهوم و قالب مناسبی یافته و با توجه به ناتوانی کودکان برای استیفای مستقیم حقوق خویش، از جنبه‌های حمایتی وسیعی برخوردار گردد، به گونه‌ای که بزرگسالان الزامی ناشی از حمایت آنان را کاملاً احساس کنند.

توجه به حقوق کودک فقط بحث جوامع امروزی نیست بلکه در دین مبین اسلام هم نسبت به حقوق کودک توجه شده است (احترام و تکریم کودک، پرهیز از خشونت و بدرفتاری با کودکان، رعایت عدالت و پرهیز از تبعیض).

براساس اطلاعات منتشره، وضعیت کودکان در جوامع فعلی نگران‌کننده است. براساس آمار یونیسف (۱۹۹۰-۱۹۸۹)، هر روز چهار هزار کودک زیر پنج سال به علت سوءتغذیه و بیماری‌های قابل پیشگیری، جان خود را از دست می‌دهند. نزدیک به صد میلیون کودک از برنامه‌های تحصیلات ابتدایی محروم‌اند. نیمی از بچه‌ها در کشورهای در حال توسعه به آب آشامیدنی دسترسی ندارند. سالانه نیم میلیون نفر از مادران، در موقع حاملگی و زایمان جان خود را از دست می‌دهند. بیش از صد میلیون کودک در جهان، از طریق کارهای خطرناک و اغلب تحت شرایط کشنده امرار معاش می‌کنند. بیش از یک میلیون از مردم (که بیشتر آن‌ها کودک هستند) از خانه و زندگی محروم هستند و مواردی دیگر.



از طرف دیگر، طبق رویه قضایی موجود در محاکم، کسی که به سن ۱۸ سال تمام رسیده است، نیازی به اثبات رشد خود ندارد، مگر آن‌که عدم رشدش ثابت شود.

نقض حقوق کودکان در کشورهای در حال توسعه، بیشتر ناشی از فقر است. در حالی که در غرب، مشکل اخلاقی و ضعف بنیان‌های خانواده، ناقض حقوق کودکان است، با این حال، همواره این کشورهای غربی هستند که کشورهای جهان سوم را در ارتباط با نقش حقوق کودکان، تحت فشار قرار می‌دهند. اهمیت این مطلب بر کسی پوشیده نیست که باید حقوق کودکان را شناخت و برای احقاق آن تلاش کرد و بر این اساس در این نوشتار، کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سابقه تاریخی کنوانسیون حقوق کودک

مسئله حقوق کودکان، مسئله جدیدی نیست. شروع آن به دوران بعد از جنگ جهانی اول بازمی‌گردد. پس از جنگ جهانی اول، به سبب پیامدهای جنگ و آسیب‌هایی که از این راه بر کودکان وارد آمد، در سال ۱۹۲۴م «اعلامیه کودک» در ژنو تنظیم شد که بیشتر در زمینه تغذیه، بهداشت و مسکن برای کودکان جنگ‌زده و آواره و حمایت آنان در برابر آسیب‌های جسمی و روانی ناشی از جنگ بود و جنبه توصیه‌ای داشت.

تأسیس صندوق بین‌المللی کودکان (یونیسف) در سال ۱۹۴۶م گام مهمی برای پرداختن به مسائل حقوق کودکان جهان بود. یونیسف براساس قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بعد از جنگ جهانی دوم برای رهایی چهارده کشور اروپایی از بند فقر، گرسنگی، بیماری، بی‌سرپرستی و آوارگی پایه‌گذاری گردید. هم‌چنین اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸م نیز منبع دیگری برای پیمان حقوق کودک بود؛ زیرا این اعلامیه تمام انسان‌ها را بدون توجه به ویژگی‌ها شامل می‌شود که طبعاً کودکان را نیز دربر می‌گیرد.

در سال ۱۹۵۹م اعلامیه حقوق کودک به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید که در واقع، اساس و بنیان کنوانسیون حقوق کودک را پی‌ریزی کرد و هم‌چنین در قرارداد بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی ۱۹۶۵م، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶م و کنوانسیون حداقل سن اشتغال کودکان ۱۹۷۳م، مباحثی در ارتباط با حقوق کودکان بیان شده است.

از طرفی دو پروتکل اختیاری بر کنوانسیون حقوق کودک در سال ۲۰۰۰ تصویب شده است. یکی پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودکان در مورد شرکت کودکان در جنگ و دیگری، پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد فروش فاحشگی و پورنوگرافی کودکان.

طرح کنوانسیون حقوق کودک، به ابتکار کشور لهستان و تلاش پروفیسور آدام لولنیک از این کشور (که

به مناسبت سال بین‌المللی حقوق کودک، اقدام به تهیه پیش‌نویس کنوانسیون کرد) در سال ۱۹۸۹م، به اتفاق آرا تصویب شد که از یک مقدمه و ۵۴ ماده تشکیل یافته است. ۴۱ ماده آن مربوط به حقوق کودک و ۱۳ ماده آن مربوط به نحوه اجرای آن در هر کشور است.

تاکنون ۱۹۱ کشور از ۱۹۳ کشور جهان به آن پیوسته‌اند و فقط کشورهای آمریکا و سومالی هنوز، به این کنوانسیون ملحق نشده‌اند.

هدف اساسی این کنوانسیون ایجاد زندگی بهتر برای کودکان و تلاش در راه رشد هماهنگ و متعادل آنان در زمینه‌های اساسی رشد جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی است و برای دستیابی به این هدف، چهار محور اساسی رشد، بقا، حمایت و مشارکت را مورد توجه قرار داده است.

از نظر کنوانسیون، منظور از کودک، افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال است، مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.

نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک

۱. منافع کودک، ماده ۳، ۲، ۱؛ ۲. تحقق کودک، ماده ۴؛ ۳. مسئولیت والدین، ماده ۵، ۴؛ ۴. به رسمیت شناختن ذاتی و طبیعی، ماده ۶؛ ۵. حفظ هویت شخصی کودک، از جمله داشتن نام و تابعیت، ماده ۷؛ ۶. هویت کودکی، ماده ۸؛ ۷. پیوستن به خانواده، ماده ۱۰؛ ۸. منع قاچاق کودکان، ماده ۱۱؛ ۹. آزادی عقیده کودک، ماده ۱۶، ۱۴، ۱۳، ۱۲؛ ۱۰. آزادی اجتماعی، ماده ۱۵؛ ۱۱. حفظ حریم شخصی کودک، ماده ۱۶؛ ۱۲. دسترسی به مطالب و اطلاعات مناسب، ماده ۱۷؛ ۱۳. مسئولیت مشترک والدین، ماده ۱۸؛ ۱۴. منع بدرفتاری با کودک، ماده ۱۹؛ ۱۵. کودکان بی‌سرپرست و محروم از خانواده، ماده ۲۰؛ ۱۶. فرزندخواندگی، ماده ۲۱، ۲۰؛ ۱۷. کودکان آواره و پناهنده، ماده ۲۲؛ ۱۸. آموزش و پرورش و اهداف آن، ماده ۲۸؛ ۱۹. کودکان اقلیت مذهبی و قومی، ماده ۳۰؛ ۲۰. تفریح و فعالیت‌های فرهنگی، ماده ۳۱؛ ۲۱. کار کودکان، ماده ۳۲؛ ۲۲. مواد مخدر، ماده ۳۳؛ ۲۳. منع شکنجه و اصول دادرسی، ماده ۳۷؛ ۲۴. جنگ‌های مسلحانه، ماده ۳۸؛ ۲۵. رعایت عدالت، ماده ۴۰؛ ۲۶. رجحان قوانین مؤثرتر، ماده ۴۱.

ایران و کنوانسیون حقوق کودک

جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که کنوانسیون حقوق کودک را در ۵ دسامبر ۱۹۹۰ امضا و در آگوست ۱۹۹۴ (اسفند ماه ۱۳۷۲) تصویب کرده است. دولت جمهوری اسلامی ایران در هنگام

امضای کنوانسیون با این شرح، اعلام حق شرط نموده است:

جمهوری اسلامی ایران نسبت به مواد و مقرراتی که مغایر با شریعت اسلامی باشد، حق شرط می‌نماید و این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که هنگام تصویب، چنین حق شرطی را اعلان نماید.

با توجه به این که اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی، عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس برسد، مجلس شورای اسلامی طی ماده واحده‌ای الحاق، کنوانسیون را با همین قید ملزم نبودن به مواد مغایر با موازین اسلامی و قوانین داخلی تصویب نمود. متن ماده واحد چنین بود: «کنوانسیون حقوق کودک، مشتمل بر یک مقدمه و ۵۴ ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی به آن داده می‌شود. مشروط به آن که مفاد آن در هر مورد و در هر زمان که در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد، لازم‌الرعایه نباشد.»

شرایط پیوستن ایران

مفهوم شرط این است که دولت جمهوری اسلامی ایران با پیوستن به کنوانسیون، درصدد برنمی‌آید که قوانین خود را با مقررات کنوانسیون وفق دهد و آن را اصلاح کند، بلکه قوانین خود و در آینده نیز قوانینی را که مناسب‌اند وضع و اجرا می‌کند و به هر صورت، هر چه مقررات کنوانسیون با قوانین داخلی فعلی یا قوانین مصوب بعدی مغایر تشخیص داده شد، این مقررات برای دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعایه نیست و همین امر است که مورد اعتراض بسیاری از کشورها قرار گرفته و این شرط کلی را غیرقابل قبول و غیرمنطقی با کنوانسیون می‌دانند.

البته برخی در این مورد معتقدند که دولت ایران با گنجانیدن چنین شرطی، در حقیقت قبول و اعتراف کرده است که بین قوانین داخلی و مفاد کنوانسیون، مغایرت اساسی وجود نداشته و نباید داشته باشد و فقط در موارد جزئی، قوانین داخلی و موازین اسلامی ارجح است و استدلال خلاف آن نقش فرض خواهد بود.

این خلاصه‌ای از واقعیت جمهوری اسلامی ایران نسبت به کنوانسیون حقوق کودک بوده ولی ضروری است اشاره شود که تصویب کنوانسیون حقوق کودک در ایران بدین معنی نیست که سابقاً حقوق کودک رعایت نمی‌شد، بلکه قوانین و مقرراتی قبل از تصویب کنوانسیون مذکور وجود داشت که در جهت حمایت از حقوق کودک تصویب و اجرا شده بود.

وضعیت برخی کشورها نسبت به کنوانسیون

بسیاری از کشورها قوانینی را به کنوانسیون اضافه کرده یا تغییر داده و در کشور خود اجرا می‌کنند مانند

فیلیپین، سریلانکا، نپال، ویتنام، فرانسه، برزیل، کلمبیا و پرغال.

شایان ذکر است برخی از دولت‌ها کنوانسیون کودک را با توجه به ماده ۵۱ کنوانسیون با شرایط خاصی پذیرفته‌اند و با اعلام حق شرط، عدم پایبندی خود را نسبت به برخی موارد اعلان کرده‌اند. مفصل‌ترین حق شرط‌ها، مربوط به آلمان، انگلستان، واتیکان و بلژیک است.

علاوه بر موارد فوق، کشورهای دیگری وجود دارند که نسبت به کنوانسیون حقوق کودک، اعلان حق شرط کرده‌اند؛ از جمله اردن، مغرب، کویت، الجزایر، عراق، پاکستان، افغانستان، قطر، سوریه و...

اگرچه قواعد حمایت از کودکان در دهه هشتاد میلادی شکل گرفت، ولی اصل آن براساس اسناد تعیین‌کننده استانداردهای حقوق کودکان به سال‌های طولانی قبل از آن بازمی‌گردد. اقدامات پیشین بیشتر جنبه اخلاقی داشت و از نظر حقوقی سند مطلوب و قابل اتکایی به شمار نمی‌رفت. البته این بدان معنا نیست که به مسئله حقوق کودک قبلاً هیچ پرداختی نشده بود.

تولد حقوق کودک

اولین گام‌ها در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم برداشته شد. در آن زمان، افرادی مانند خانم «الگدن تی‌تیب» و آقای دکتر «یانوکس گورتزاک» اولین چهره‌هایی بودند که حقوق کودکان را مطرح کردند. در آن زمان دیدگاه سنتی جوامع بر آسیب‌پذیر بودن کودکان و ناتوانی آن‌ها در تصمیم‌گیری حکم کرده و این که مسئولیت آن‌ها با پدران و مادران شان است و طبیعتاً هیچ‌گونه حقوقی نداشته‌اند. به همین دلیل افرادی مانند دکتر گورتزاک، از کودکان یتیم حمایت می‌کردند. وی دکترای طب داشت، کتاب‌هایی را در لهستان انتشار داد و سندی در ده ماده برای حقوق کودکان تدوین کرد که در آن به مسائلی مانند حق حیات و حق آموزش اشاره کرده بود. با حقوقی که وی برشمرده بود، کمتر کسی تا آن زمان آشنایی داشت؛ چه کودکان و چه بزرگسالان. بعد از این گامی که گورتزاک برداشت، خانم تی‌تیب انجمنی را برای حمایت از کودکان تأسیس کرد که اولین انجمن حمایت از کودکان در اروپا بود. تی‌تیب به گورتزاک پیشنهادی مبنی بر تنظیم سندی با عنوان اعلامیه حقوق کودک ارائه داد و با همکاری جامعه ملل، سندی را در ۵ ماده تهیه کردند که مفاد آن بیشتر به مشکلاتی پرداخته بود که در آن زمان کودکان اغلب با آن‌ها روبه‌رو بودند مانند کودکان بی‌سرپرست، کودکان و پیامدهای جنگ و...

با هر دو نفر آن‌ها جنبش آغاز و پایه‌های اصلی حمایت از کودکان توسط این افراد گذارده شد؛ ولی در سطح بین‌المللی به دلیل وقوع جنگ جهانی دوم

باید حقوق کودکان را شناخت و برای احقاق آن تلاش کرد

به حقوق این قشر عظیم می‌تواند در آینده صدمات جبران‌ناپذیری را برای کشور به همراه داشته باشد.

ویژگی‌های کنوانسیون در ایران

کنوانسیون حقوق کودک در ایران ویژگی‌های خاص خود را دارد از جمله: امضای آن توسط کشور ایران، انعطاف‌پذیری، جامعیت، حاصل تجربیات کارشناسان، توجه به کودک به عنوان موجودی مستقل، تأکید بر دخالت دولت، گستردگی جریان و توجه به نهاد خانواده و اولویت دادن به منافع کودک، اما عدم رعایت یا عدم توجه به بعضی از ویژگی‌ها در ایران مانع از اجرای کامل این کنوانسیون می‌شود.

و سپس مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ در بسیاری از کشورها و اختلافات، اقدام‌هایی هم صورت گرفت؛ تا سال ۱۹۵۹ که سازمان ملل متحد اعلامیه جهانی حقوق کودک را در ده ماده به تصویب رساند.

متأسفانه اعلامیه‌هایی که توسط مجمع عمومی تصویب می‌شوند، تنها جنبه اخلاقی دارند و تعهدی برای کشورها به وجود نمی‌آورند. بعد از این اعلامیه در بین سازمان‌های بین‌المللی و به خصوص سازمان‌های تخصصی که در این زمینه کار می‌کردند (مانند یونیسف که در سال ۱۹۴۹ آغاز به فعالیت کرده بود)، دولت لهستان به خصوصی انجام نشد. در سال ۱۹۷۸، دولت لهستان برای قدردانی از زحمات یانوکس گورتزاک و کتب او، پیشنهاد تدوین یک معاهده بین‌المللی برای حمایت از کودکان را به سازمان ملل متحد ارائه کرد.

سازمان ملل و حقوق کودک

این پیشنهاد مورد استقبال سازمان ملل متحد قرار گرفت و نهایتاً کمیته ویژه‌ای در ژنو تشکیل شد و این کمیته همراه با تعدادی از سازمان‌های غیردولتی که برای کودکان کار می‌کردند، آغاز به فعالیت کرد و در نهایت، این معاهده حقوق کودک تدوین شد و در سال ۱۹۸۹ در مجمع عمومی به تصویب رسید. یکی از ویژگی‌های معاهده حقوق کودک، تکرار برخی حقوقی است که برای بزرگسالان قبلاً در اعلامیه جهانی حقوق بشر با میثاق حقوق مدنی، سیاسی یا میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی پیش‌بینی شده بود.

حدود ۱۳ ماده از ۵۴ ماده کنوانسیون حقوق کودک به صورت مستقیم به وظایف و مسئولیت‌های دولت‌ها در قبال کودکان پرداخته است. هم‌چنین در ۳۰ ماده دیگر هر چند مستقیماً به نقش والدین و دیگر نهادها پرداخته ولی در واقع این ماده‌ها هم تأکیدی بر نقش دولت‌ها در ایجاد شرایط مطلوب برای نهادهای مختلف به منظور مراقبت و پرورش مناسب کودکان بوده است. بنابراین از آن‌جا که حدود ۴۳ ماده از کنوانسیون به صورت مستقیم و غیرمستقیم به نقش دولت در این زمینه پرداخته، نشانگر اهمیت دولت در اجرای این کنوانسیون بوده و بدین علت است که حل بسیاری از مشکلات کودکان از عهده خانواده‌ها یا مؤسسات دیگر بر نمی‌آید و توجه به حقوق کودک باید در برنامه‌های رفاهی و اجتماعی هر کشور مورد توجه قرار گیرد. ضرورت رعایت حقوق کودک به علت اهمیت فوق‌العاده دوران کودکی در رشد و پرورش کودکان، آسیب‌پذیری و لزوم حمایت از آنان و متفاوت بودن آنان از بزرگسالان در همه زمینه‌ها، پرداختن به حقوق کودک در ایران، اجتناب‌ناپذیر است و توجه نداشتن



منابع

۱. ابوحسنی، سارا. در ارتباط با حقوق کودک در قانون. مجله روان‌شناسی امروز.
۲. بهشتی، احمد. اسلام و حقوق کودک. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی. چاپ دوم.
۳. پورقهرمانی، بابک. فصل‌نامه رونق اندیشه. شماره ۲۸.
۴. سیف، سوسن و دیگران. روان‌شناسی رشد. سمت. تهران. ۱۳۸۰.
۵. سیف، علی‌اکبر. روان‌شناسی پرورشی. آگاه. تهران. ۱۳۶۸.
۶. شرفی، محمدرضا. دنیای نوجوان. مؤسسه فرهنگی منادی تربیت. تهران. ۱۳۷۹.
۷. شریفی درآمدی، پرویز. نظریه‌های روان‌شناسی تحولی از کودکی تا بزرگسالی. انتشارات خوشنواز. تهران. ۱۳۸۰.
۸. کاپلان، پاول اس. روان‌شناسی رشد. ترجمه مهرداد فیروزبخت. مؤسسه خدمات فرهنگی رسا. تهران. ۱۳۸۱.
۹. نویان، آذین. یونیسف و پیمان جهانی حقوق کودک، روزنامه انتخاب، ۱۳۷۸.
10. Ten basic facts about the world's children, www.rehydrate.org/facts
11. www. Ghader.com
12. who hasratified? www.free the children.org
13. http://www. Aftabnews.ir/rdcj.yetfugemsfzu.html/./http://aftabnews.ir
14. www.aftabnews.ir/1388/ 2/ 10

